

گیل گمش

آلمانی : گئورک بورکھارت

Georg Burckhardt

فارسی : دکتر داود منشی زاده

www.ketab.ir

موضوع: گیل‌گمش
 موضوع: لاطین‌النوری و بابلی
 بدلتنت: چاپ قلی: انتشارات فرهنگ سومکا
 فروست (شش‌ه افزوده): منشی‌زاده داود ۱۲۹-۱۳۶۸
 مترجم
 رهنمندی کنگره: PJ ۳۷۷۱/۹۱۲۲۸۷
 رهنمندی دیویی: ۸۹۲/۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۲۷۴۸۵

سرشناسه: بوکهارت‌گنورگ ۱۸۸۱-
 Burckhardt Georg
 عنوان و پدیلور: گیل‌گمش/ المانی گنوری بوکهارت
 فارسی داود منشی‌زاده
 مشخصات نشر: لنگرود سمرقند ۱۳۸۷
 مشخصات ناھری: ۱۰۰ ص ۲۱×۱۴ س م
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۷۵-۲۲-۹
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

گیل‌گمش

المانی: گنورگ بوکهارت

فارسی: داود منشی‌زاده

چاپ سو: چاپ ۳۹۸

چاپ نخست ۱۳۸۸ / چاپ دوم: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

حروف‌چین: پروانه ربوشه

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۷۵-۲۲-۹ ISBN ۹۶۴-۷۷۷۵-۲۲-۹

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

Samarghandpub@yahoo.com

فهرست نوشته ها

۱	پیش گفتار
۹	تاریخچه این افسانه
۱۵	خلاصه ی پیش گفتار - کولهارت
۱۹	لوح اول
۲۹	لوح دوم
۳۳	لوح سوم
۳۹	لوح چهارم
۴۳	لوح پنجم
۴۹	لوح ششم
۵۷	لوح هفتم
۶۱	لوح هشتم
۶۵	لوح نهم
۷۳	لوح دهم
۸۵	لوح یازدهم
۹۵	لوح دوازدهم
۹۹	فهرست الفبایی لفظ نام ها

پیش‌گفتار

دکتر داود منشی زاده، حمامی گیل‌گمش را در تیرماه ۱۳۳۳، در تهران منتشر کرد (انتشارات فرهنگ - همکا - سری سوم - دفتر دوم). وی گیل‌گمش را از نوشته‌ی گ. گ. بورکهارت (Georg Burckhardt) آلمانی به فارسی برگردانده بود و پیش‌گفتار در چهار رویه بر آن نوشته بود.

در سال ۱۳۳۵ که در تعطیل دانشگاه به تدریس ایدم، روی به کتاب فروشی‌ها آوردم و در این میان، کتاب "گیل‌گمش" ترجمه‌ی دکتر داود منشی زاده را نیز خریدم.

چنان‌که گفته شد، دکتر منشی زاده، این کتاب را از آلمانی به فارسی برگردانده بود. در بازگشت به آلمان، برگردان گئورگ بورکهارت (Georg Burckhardt) به آلمانی را خریداری کردم؛ اما بهره‌گیری از آن برای من که دو سال و اندی بود که سرگرم تحصیل به آن زبان بودم، تا اندازه‌ای

دشوار می‌نمود. بعدها، برگردان دکتر منشی زاده را باکار "بورکهارت" برابر کردم، دکتر منشی زاده، کار بسیار نیکویی به خوانندگان ارائه کرده است.

پس از پایان درس که به تهران بازگشتم، شنیدم که دوباره گیل گمش در قالب "کتاب هفته" (هفتگی [روزنامه] کیهان - شماره ۶۱ - یکشنبه اول - من ماه ۱۳۴۰)، به بازار آمده است. به دفتر روزنامه کیهان رفتم و خوشامانۀ توانستم، یک شماره از آن را بخرم. در همان نگاه نخست، شگفتی را در دم، زیرا به جای مترجم، نوشته شده بود به نثر فارسی: احمد شایان

با خود اندیشیدم که شاید به جای برگردان یا ترجمه، از واژه‌ی "نثر فارسی"، بهره گرفته شده است. ما هنگامی که توضیح آقای ا. ش (احمد شاملو) را دیدم، از شگفتی بیرون آمدم و از این همه گستاخی، سخت غمگین شدم. ایشان در آغاز کتاب نوشته بودند:

و اینک، حماسه‌ی عظیم گیل گمش است. متن‌ترین محصول اندیشگی انسان...

من این حماسه را از روی ترجمه‌ای که هفت سال پیش از این، به وسیله‌ی آقای دکتر [داود] منشی زاده صورت گرفته است، پرداخته‌ام، چرا که این شاهکار اندیشه‌ی انسانی، بی‌هیچ تردید، نیازمند ترجمه‌ی مجددی بود. من در اشتیاق ترجمه‌ی این حماسه می‌سوختم و هرگز نتوانستم متن فرانسوی معتبری که بتواند زمینه‌ی کار قرار گیرد، به دست آورم... در هر حال، روزی بدین کار دست خواهم زد. و تا آن روز، این "نوشته" را که

متن آن از آقای منشی زاده است و نثر آن از من، به نام
"حماسه‌ی گیل‌گمش"، از من بپذیرید.

ظریفی همان زمان به من گفت :

لوح اول

پهلوان، در اشتیاق اختراع هواپیما، سخت می‌سوخت

لوح دوم

هرچه در میان حرت پرت‌هایش گشت، الگوی مناسبی برای اختراع
هواپیما، پیدا نکرد

لوح سوم

پهلوان، در حالی که پوست شب در بر کرده بود، از راه خیابان حافظ،
سری به خیابان فراسه زد.

لوح چهارم

چندتنی، در آن‌جا بساط پهن کرده بودند. پهلوان در میان بساط خرده
فروشان نیز، نتوانست الگوی مناسبی برای کار خود بیابد.

لوح پنجم

پهلوان سرازیر شد و از خیابان نادری، به خیابان فردوسی رسید.

لوح ششم

از بنگاه هواپیمایی دکتر مصطفی مصباح زاده و عبدالرحمن فرامری
(کتاب هفته) یک بلیت درجه‌ی یک رایگان، برای پرواز به دست آورد ...

⋮

لوح دهم

پهلوان، درحالی‌که دو پوست شیر در بر کرده بود، شتابان و نفس زنان،
خود را به فرودگاه رسانید.

لوح یازدهم

با چالاسی از پکان، یژه‌ی هواپیما بالا رفت و خود را به درون افکند.

لوح دوازدهم

پهلوان، به خلبان هواپیما که در آستانه‌ی در، برای خوش‌آمدگویی به
مسافران ایستاده بود، باصدای پرسش، فریاد زد:

سرانجام، من روزی هواپیما اختراع خواهم کرد.

بدون هرگونه دودلی، اگر آقای دکتر داود منش راد، گیل گمش را به
فارسی برنگردانده بودند، هرگز آقای "ا. ش"، در وجود آن خبردار
نمی‌شد، تا آتش اشتیاق ترجمه‌ی آن، ایشان را بسوزاند. از سوی دیگر،
چگونه ایشان، ترجمه یا ترجمه‌های موجود فرانسه‌ی گیل گمش را "معتبر"
ارزیابی نکردند؟ آن هم پرسشی است که کاش زنده می‌بودند و پاسخ
می‌دادند.